

مقدمه

مشارکت سیاسی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی از مهم‌ترین مسائل توسعه و مباحث نوین جامعه‌شناسی توسعه محسوب می‌گردد. همان گونه که گفته می‌شود^۱ جامعه‌شناسی در مفهوم رایج و کلاسیک آن به بررسی روابط حکومت و جامعه در محدوده دولت مدرن می‌پردازد. جدا از چالش‌های فرا روی دولت مدرن که برگرفته از مبحث جهانی شدن است سطح تحلیل رفتار سیاسی فرد و گروه‌ها کماکان از مطالب مورد توجه مباحث جامعه‌شناسی است و در این رهگذر توجه به وجوه مختلف مشارکت سیاسی شهروندان به خصوص عرصه انتخابات، کانون توجه پژوهشگران را به خود اختصاص داده است. زیرا بنا بر باور محققین انتخابات مهم‌ترین و مشخص‌ترین نوع مشارکت سیاسی افراد در عرصه اجتماع است که می‌تواند ضمن بیان پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی الگو مناسبی برای ارزیابی سازوکار قدرت در جامعه باشد. از طرف دیگر بررسی انتخابات و مشارکت انتخاباتی علی‌رغم ابهاماتی که در کیفیت و کمیت آن مطرح می‌گردد، می‌تواند رابطه متقابل حکومت و جامعه را به شکل عینی‌تری به نمایش بگذارد.

جدا از مباحث فوق آنچه که بیش از پیش بررسی امر انتخابات در ایران را در کانون توجه قرار می‌دهد برگرفته از ساختار حکومت و تعامل آن با جامعه است. از آنجایی که انتخابات در ایران جدا از مبحث حقوق شهروندی با مبحث مشروعیت نظام نیز پیوند ناگسستنی یافته است، دلیل مضاعفی را برای توجه و بررسی و تعمق در امر انتخابات همواره بوجود می‌آورد.

این پژوهش بر اساس اهمیت‌ها و ضرورت‌های گفته شده در سه بخش تنظیم شده است. در بخش اول به طرح بحث و بیان ضرورت و ادبیات موضوع پرداخته میشود، همچنین ضمن بیان منظر متفاوت آسیب شناسی رفتار انتخاباتی شهروندان در این نوشتار، سؤال‌های تحقیق نیز مطرح شده است. در بخش دوم ضمن بیان الگوها و تئوری‌های مختلف رفتار انتخاباتی، چهارچوب نظری مورد استناد این تحقیق به اختصار بیان می‌شود. در فصل سوم بر اساس آمارهای رسمی منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران و وزارت کشور در یک مطالعه موردی با نگاه به انتخابات مجلس هفتم، به بررسی و تحلیل رفتار انتخاباتی در دو استان کهگیلویه و بویراحمد و مرکزی می‌پردازیم و در نهایت یافته تحقیق را در نتیجه گیری بیان خواهیم نمود.

۱- طرح بحث

در بحث آسیب شناسی دموکراسی و مشارکت سیاسی شهروندان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی مباحث گوناگونی از سوی محققین طرح گردیده است، که به دلیل تنوع منظرهای تفکری و الگوهای روشی و همچنین الگوهای مورد مطالعه به دشواری می‌توان آن‌ها را در قالبی خاص بیان نمود. در این پژوهش جهت ساماندهی بیشتر بحث، فارغ از الگوهای مختلف تفکری از منظر عملی به گونه‌های مختلف این نوع دیدگاه‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- برخی از محققین با نگاهی رادیکال به مبحث دموکراسی و مشارکت شهروندی به صورتی بودن این فرایند در جوامع اشاره دارند. با نگاه کلان به نظام‌های سیاسی از نظر این افراد حتی در بهترین شرایط نیز آرای شهروندان از سوی صاحبان قدرت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جهت منافع مورد نظر جهت داده می‌شود. به گونه‌ای که در خلغ وجود استقلال تفکری بیان مشارکت شهروندان به طنزی تلخ تبدیل می‌شود. از جمله منتقدین دموکراسی و امر مشارکت شهروندان را می‌توان طرفداران تئوری‌های مارکسیستی عنوان نمود که مطالب خود را در مباحث گسترده‌ای که در خصوص نقد نظام‌های سرمایه‌داری عنوان کرده اند بیان می‌دارند. همچنین می‌توان با نگاهی متفاوت از روشنفکرانی چون سارتر و یا میلر در بحث دموکراسی نخبگان سخن به میان آورد. در خصوص انتخابات ایران این طیف را معمولاً اپوزسیون‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی تشکیل می‌دهند.

۲- گروهی دیگر از محققین ضمن نفی عدم مشارکت صورتی شهروندان در عرصه سیاسی- اجتماعی انتقاد و بحث آسیب شناسی خود را معطوف به مکانیسم‌ها و سازوکارهای قانونی و حقوقی می‌کنند که موجب کاهش خلق فرصت‌ها و در نتیجه عملی نشدن گسترده واقعی مشارکت شهروندان می‌شوند. در این نگاه به نقصان‌ها و ایرادهای نظام‌های انتخاباتی و یا عملکرد متولیان اجرایی و نظارتی تاکید می‌شود. به عنوان مثال در خصوص انتخابات مجلس هفتم می‌توان به مقاله مهدی رجبی^{۱۱} در ماهنامه آفتاب اشاره نمود.

۳- گروه سوم که بیشتر شامل افراد فعال در حوزه‌های آکادمیک تحقیقات علوم سیاسی می‌شود، بیشتر در قالب مباحث توسعه و بررسی نظام‌های سیاسی به بحث مشارکت شهروندان توجه نموده‌اند. در این گونه مباحث بحث عدم مشارکت شهروندان و لطمات آن بر ساختار سیاسی و امر توسعه مد نظر قرار می‌گیرد. از این منظر مباحث حقوق سیاسی و حق طبیعی شهروندان و تبعات منفی عدم مشارکت آن‌ها در روند توسعه به تفصیل بیان می‌گردد. به عنوان مثال جان ا. ام نلسون معتقد است «اعتراضات گسترده و بیش از هر چیز خشونت سیاسی بازتاب نبود یا ناکارآمدی نهادها و فراگردهای مشارکت است. در واقع اعتراض، نقطه مقابل مشارکت است. مشارکت خواه برای افراد (شهروندان) و خواه برای سیستم‌ها امری مطلوب

به شمار می‌رودⁱⁱⁱ» همچنین برخی از صاحب نظران ضمن بررسی نظام‌های حکومتی به تبیین پدیده مشارکت افراد در این نظام‌ها و تبعات آن‌ها می‌پردازند. در این رویکرد اغلب نیز الگوی مورد قبول جهت مقایسه، نظام‌های کشورهای پیشرفته صنعتی می‌باشند. واینر طی مقاله‌ای تحت عنوان «مشارکت سیاسی، بحران فرایند سیاسی^{iv}» به آسیب شناسی مشارکت سیاسی شهروندان در رژیم‌های اقتدارگرا می‌پردازد.

۴- گروه دیگر از محققین با طرح روانشناسی اجتماعی توده‌ها، مباحث آسیب شناسی مشارکت اجتماعی - سیاسی مردم را در حوزه‌های گوناگون با توجه به ضعف نیروی قضاوت یا کمبود تفکر نقادانه و یا حتی تحریک پذیری و خوش باوری و سادگی توده‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند. غالباً نیمه اول قرن بیستم در کشورهای صنعتی که با شکل‌گیری حکومت‌های توتالیتر و اقتدارگرا توأم بوده است مستندات مباحث این محققین را تشکیل می‌دهد. از جمله می‌توان به کتاب تاثیر گذار «روانشناسی توده‌ها^v» گوستاو لوبون در این زمینه اشاره کرد.

در این تحقیق بحث آسیب شناسی انتخابات نه بر مکانیسم‌های انتخاباتی و نه بر مبحث عدم مشارکت شهروندان در انتخابات و نه حتی به صحت و سلامت امر انتخابات متمرکز گردیده است. بلکه کانون توجه بحث در خصوص چرایی و چگونگی عمل مشارکت کنندگان است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با توجه به این که عدم مشارکت مردم در انتخابات و تبعات و مشکلات آن برای ساختار سیاسی به عنوان مبحث اصلی آسیب شناسی رفتار صاحبان آرا مورد توجه قرار می‌گیرد، ضرورت بررسی طرح آسیب شناسی مشارکت افرادی که در جریان انتخابات حضور یافته‌اند و رای خود را در صندوق‌های ریخته‌اند چیست؟ آیا طرح آسیب شناسی این مبحث منطقی است یا خیر؟

در جهت پاسخ به این سؤال ضمن یادآوری ضرورت بررسی امر انتخابات که در مقدمه این تحقیق به آن اشاره گردید، بایستی گفت که از منظر جامعه‌شناسی سیاسی ضرورت این بحث از ماهیت و عملکرد حکومت جمهوری اسلامی نشات می‌گیرد. حتی اگر در حال حاضر با این پیش فرض که دولت در ایران یک «دولت ایدئولوژیک^{vi}» است موافق نباشیم اما محوریت ایدئولوژی در ساماندهی نظام حکومتی غیر قابل چشم پوشی است. از این منظر موضوعیت این نکته که «دولت‌های ایدئولوژیک ذاتاً دربردارنده درجاتی از بحران مشروعیت، مشارکت سیاسی و کارایی» هستند، مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین به دلیل اینکه بحث مشارکت شهروندان در عرصه انتخابات و حتی در عرصه‌های دیگر با نگاهی تقلیل‌گرایانه به بحث مشروعیت نظام تبدیل شده است، جدا از تعداد افرادی که از شرکت در انتخابات امتناع ورزیده‌اند، لاجرم کیفیت و چرایی آرای رای دهندگان نیز در هر دوره انتخاباتی می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. هنگامی که هر نظام ایدئولوژیکی شرکت در انتخابات را به معنی فعلی در راستای مشروعیت بخشی به نظام سیاسی خود تفسیر می‌کند (نه حق شهروندی که می‌تواند از این حق به صلاحدید خود بهره جوید) نه تنها عدم شرکت در امر انتخابات می‌تواند در مبحث آسیب شناسی انتخابات مورد توجه قرار گیرد، بلکه بایستی چرایی، چگونگی و

کیفیت آرای داده شده نیز مورد بررسی و تبیین قرار گیرد. بسیاری از مقامات سیاسی ایران در جریان انتخابات به پیوند آرای عمومی با مشروعیت نظام تاکید ورزیده‌اند. به عنوان مثال آیت الله جنتی طی سخنرانی در مراسم نماز جمعه تهران عدم شرکت در انتخابات را نه تنها خیانت به ملت دانسته بلکه آن را نیز فعلی غیر شرعی دانسته است.

در این فضا می‌توان به بروز مشکلات و چالش‌هایی اشاره داشت که فرا روی یک نظام ایدئولوژیک در بلند مدت در جذب آرای عمومی قرار می‌گیرد، چالش‌هایی که لاجرم نظام را در وادی بحران مشروعیت و مشارکت قرار می‌دهد و در صورت عدم ساماندهی و باز تعریف مناسب ساختار سیاسی، حتی با حرکت‌های تاکتیکی نیز مرتفع نخواهد شد. از جمله می‌توان به «تغییر در نماد شناسی مشروعیت بخش نظام» اشاره کرد. تغییر در نماد شناسی مشروعیت بخش نظام را می‌توان در پروسه تبلیغات انتخاباتی به روشنی مشاهده نمود. در حالی که در اوائل انقلاب نمادها پیروی از فضایی رادیکال و مذهبی و غیر ستیز و به نوعی فرا ملی را بر اساس داده‌های ایدئولوژیک ترویج می‌کردند، در حال حاضر رویکردهای ملی، تنش زدایی و ... نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در اخبار ساعت ۸ شب کانال سوم سیما در ۸۲/۱۱/۲۹ یعنی دو روز قبل از انتخابات در گزارشی به معرفی سرود «ای ایران» ساخته آهنگ ساز فقید روح الله خالقی (با صدای استاد بنان) پرداخته شد. سرودی که سال‌ها مورد بی مهری و حتی توهین قرار گرفته بود حال برای تهییج احساس ملی شهروندان به عنوان نمادی متفاوت مورد استفاده قرار می‌گرفت. یا تصاویری از اوائل انقلاب در خصوص رای به نظام جمهوری اسلامی بخش گردید که در آن زنان بی حجاب تمایل خود را به جمهوری اسلامی نشان می‌دادند.

جدا از دلایل یاد شده در خصوص ضرورت بررسی رفتار رای دهندگان باید اضافه کرد، اگر نظام بخواهد با تعداد آرای کسب نموده به مشروعیت خود امیدوار باشد در این صورت مبنای آرای ریخته شده برای نظام امری حیاتی و قابل بررسی است؛ لذا در این رابطه بررسی سؤالی‌هایی همانند سؤالی‌های این پژوهش که در زیر عنوان شده است به شکل جامع‌تری مثمر ثمر خواهد بود.

- ۱- چرا و به چه دلیل مشارکت عمومی در عرصه انتخابات در یک مقایسه صوری در استان‌های کوچک بیشتر از استان‌های بزرگ‌تر است؟
- ۲- بر پایه کدام انگیزه و اهداف مشارکت در امر انتخابات صورت گرفته است؟
- ۳- آیا می‌توان ویژگی‌های متفاوتی را در شکل‌گیری رفتار انتخاباتی استان‌ها و شهرستان‌ها با توجه به وضعیت معیشتی، فرهنگی، قومی و... مشاهده کرد؟

۲ - تئوری‌ها و الگوهای مختلف تحلیل رفتار انتخاباتی

الگوهای مختلف تحلیل رفتارهای انتخاباتی را می‌توان در سه جریان عمده روش شناسانه خلاصه کرد:

۱- الگوی جامعه شناسانه تحلیل رفتار رای دهندگان

۲- نظریه روانی _ سیاسی در تحلیل رفتار انتخاباتی

۳- تحلیل اقتصادی محور از رفتار رای دهندگان^۷.

الگوی جامعه شناسانه تحلیل رفتار انتخاباتی رای دهندگان که مورد توجه بیشتر پژوهشگران است نخستین بار از سوی پل لازار اسفلد و گروه تحقیقاتی‌اش در دانشگاه کلمبیا در سال ۱۳۴۰ عرضه شده است. آن‌ها در تحقیقات میدانی خود به این نتیجه رسیده‌اند که اثر تبلیغات بر رای دهندگان بسیار ناچیز است و در عمل تبلیغات گسترده احزاب اثر چندانی بر رای دهندگان ندارد و آنان مدت‌ها پیش از شروع انتخابات تصمیم خود را در ارائه آرای خود گرفته‌اند. از این منظر رای دهندگان اغلب دارای گرایش‌های ثابتی هستند که تحت تأثیر محیط خانوادگی، شغل و محیط فرهنگی از قبل سامان یافته است. بسیاری از محققان بر این امر اذعان دارند که مشارکت سیاسی در تمامی جوامع به نسبت پایگاه اجتماعی_ اقتصادی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، ناحیه و محل سکونت، شخصیت و فرهنگ سیاسی حاکم یا پیش زمینه‌هایی از این قبیل متفاوت است. به نظر میلبرایت و گوئل بسته به چهار عامل مهم، مشارکت سیاسی افراد تغییر می‌کند «انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی. به این عوامل باید مهارت‌ها، منابع و تعهد را افزود^۸» حتی در مباحثی که در حوزه توسعه سیاسی نیز از سوی محققین چون کارل دویچ و دانیل لرنر مطرح شده است، چگونگی مشارکت سیاسی و فرایند آن نیز بر اساس متغیرهای اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است، «در حالی که لرنر تأثیر شهروندی و در معرض رسانه‌های گروهی قرار گرفتن را مورد بررسی قرار داده است دویچ، ترکیب پیچیده‌تری از ویژگی‌های فرایند نوسازی را پیشنهاد کرده و آن را بسیج اجتماعی نامیده است... رای کمی کردن این مفاهیم دویچ این پیشنهاد را مطرح کرد که شاخص‌هایی از تغییرات اجتماعی مانند استفاده از رسانه‌های گروهی، تغییرات سکونت، تغییرات شغلی، ارتقای آموزشی و افزایش درآمد وجود دارند که همزمان رخ داده و به پیش می‌روند و این تغییرات با اشکال جدید مشارکت سیاسی قرینند.»^۹

اگر برای انجام عمل انتخاباتی دو عنصر اصلی یعنی ۱- مشارکت کننده و ۲- موضوع مشارکت (موضوع و عرصه‌ای که فرد در آن شرکت می‌کند) را مد نظر قرار دهیم «پیوند این دو عنصر انگیزه و هدفی است که مشارکت کننده را ترغیب و وادار به حضور در یک عرصه می‌کند. به سخن دیگر، انگیزه‌ها دلایل افراد برای مشارکت محسوب می‌شوند. به صورت کلی می‌توان هر مشارکتی را مبتنی بر هدف یا

اهدافی دانست که نبود آن سبب سلب مشارکت می‌شود. بنابراین برای تحلیل هر مشارکت باید پرسید که بر پایه کدام انگیزه‌ها و اهداف انجام شده است^{۱۰}» نکته قابل توجه این است که این اهداف و انگیزه همان گونه که اشاره گردید تحت تأثیر متغیرهای پیش گفته شده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند و از سوی دیگر این عوامل در جوامع مختلف وجوه گوناگونی از مشارکت و انگیزه و اهداف مشارکتی را پدید می‌آورند. در حالی که در جوامع پیشرفته صنعتی بارزترین نوع مشارکت سیاسی به شکل رسمی در قالب فعالیت احزاب سیاسی گوناگون، سامان می‌یابد در برخی جوامع از جمله ایران مشارکت سیاسی به شکل غیر رسمی اتفاق می‌افتد. در همین جا باید یادآور شد با توجه به اینکه الگوهای مطالعاتی تئوری رفتار رای دهندگان با ویژگی‌های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی کشور ما تفاوت‌های چشمگیری دارد، مبنای قرار دادن هر یک از این تئوری‌ها برای تحلیل رفتار رای دهندگان ایرانی نه تنها ناکارآمد بلکه غیر واقعی خواهد بود. به عنوان مثال طبق تحلیل رفتار رای دهندگان در کشورهای صنعتی افزایش مشارکت سیاسی به وجوه مختلف شهرنشینی و سواد رای دهندگان نسبت مستقیم دارد لیکن برابر آمارهای رسمی که در فصل آتی ارائه خواهد شد، به خوبی مشاهده می‌شود حداقل در انتخابات مجلس هفتم این الگو نه تنها رعایت نشده بلکه رابطه‌ای معکوس بین متغیرهای یاد شده و عمل انتخاباتی شهروندان وجود دارد. تبیین چرایی این وضعیت نیازمند تحقیقات میدانی وسیع و علمی جامعه‌شناختی است که متأسفانه تاکنون صورت پذیرفته است. هر چند که می‌توان بر اساس شواهد و به مدد برخی از الگوها و تئوری‌های جامعه‌شناختی مطالبی در این زمینه ارائه نمود. اما واقعیت امر این است که این نوع مطالب حدس‌هایی محققانه است که نیاز به بررسی بیشتر دارند. علی‌رغم اینکه این حدس‌ها در جامعه ما به عنوان داده‌های واقعی مطرح شده و در کشاکش‌های سیاسی به آن پرداخته می‌شود، طبیعی است این گونه مطالب نمی‌تواند راه‌گشای تبیین عمل اجتماعی - سیاسی افراد جامعه گردد.

از جمله نظریه‌های جامعه‌شناختی که در این خصوص به شکل گسترده مورد توجه محققین قرار گرفته است، بررسی تفاوت‌های تیپ‌شناسی گونه‌های متفاوت جامعه است که از همان آغاز از سوی پیشروان جامعه‌شناسی کلاسیک مطرح گردیده است. «از میان تیپ‌شناسی‌های آشنایی که به دست پیشروان جامعه‌شناسی در تلاش برای درک خصلت دوره مدرن صنعتی با متمایز ساختن آن از دوران پیشین ساخته شده است... هیچ کدام مانند تیپ‌شناسی گماینشافت و گزلیشافت^{۱۱} فردیناند تونیس، که معمولاً اجتماع و جامعه^{۱۲} ترجمه می‌شود آشنا نیست^{۱۳}» این نظریه بعدها توسط ماکس وبر به شکل مشخص و برجسته‌تری ارائه گردید. از نظر ماکس وبر فرآیند «جماعتی Communalization» و «جامعه‌ای Aggregation» شدن روابط، گونه‌های متفاوتی از رفتار اجتماعی را به وجود می‌آورد. روابط زمانی که خصلت جماعتی می‌یابند «بر احساس همبستگی شرکت کنندگان که زاینده وابستگی‌های عاطفی و سنتی آنان است استوار» می‌گردد و از سوی دیگر خصلت جامعه‌ای روابط اجتماعی «محصول آشتی و توازن منافع است و از احکام ارزشی عقلانی یا مصلحت ناشی می‌شود^{۱۴}» از این منظر

تفاوت‌های بارزی بین جوامع مدرن صنعتی و جامعه سنتی قبل از آن وجود دارد که در جدول زیر وجوه مختلف آن بیان گردیده است.

ویژگی‌ها	گماینشافت (اجتماع)	گزلشافت (جامعه)
نگرش به فرد	جمعی، وابسته به گروه اجتماعی	مستقل، فردگرایی
روابط اجتماعی	آشنا، نزدیک	غیر شخصی
تمایز اجتماعی	کم	زیاد
نهادهای اصلی	خانواده	دولت و اقتصاد
حوزه جغرافیایی	روستا	شهر
کنترل اجتماعی	رسوم، مذهب	قانون و قرار داد

این الگو بعدها نیز تمایز بین جوامع کشورهای صنعتی و جوامع کشورهای توسعه نیافته را از نظر برخی محققین بیان می‌نمود و لذا مبنای تحلیل آن‌ها از جوامع توسعه نیافته و از جمله کشور ما قرار گرفته است. به عنوان مثال در خصوص فرهنگ سیاسی و تبعات آن به رفتار سیاسی در کشور ایران، سریع القلم به طرح این مسئله می‌پردازد که «امروزه به طور کلی در کشور شاهد دو سطح فرهنگ هستیم به عبارتی چون دارای دو شیوه زیست هستیم (شیوه زیست صنعتی و زیست روستایی و عشایری) با دو سطح فرهنگ نیز روبرو هستیم. یکی فرهنگی که شهری، صنعتی و عقلانی است و دیگری فرهنگی که بافت عشیره‌ای، روستایی و سنتی دارد»^{۱۵} و از آنجایی که رفتار انتخاباتی رای دهندگان به عنوان یک کنش سیاسی در ارتباط مستقیم با فرهنگ سیاسی جامعه است لذا می‌توان از دو رفتار انتخاباتی سخن به میان آورد یک رفتار انتخاباتی شهری و دیگر رفتار انتخاباتی عشیره‌ای و روستایی. (واقعیت امر این است که برای تبیین هر چه بیشتر این دو رفتار انتخاباتی نیازمند تحقیقات میدانی گسترده‌ای هستیم) از این منظر انگیزه‌ها و اهدافی که پیوند بین دو عنصر «مشارکت کننده» و «موضوع مشارکت» را بیان می‌کنند متفاوت و گاه متعارض است و در عین توجه به این ویژگی‌ها، انگیزه‌ها و اهداف در تبیین تعامل بین جامعه و حکومت حائز اهمیت خواهد بود و در مطالب ما در خصوص آسیب شناسی رفتار رای دهندگان و مبحث مشروعیت و کارآمدی یک نظام ایدئولوژیک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به عنوان نمونه طی یک تحقیق میدانی از رفتار انتخاباتی رای دهندگان در جوامع مبتنی بر فرهنگ عشیره‌ای «از پاسخگویان پرسیده شده است تا چه اندازه علایق قومی و قبیله‌ای در گزینش نماینده مورد نظران مهم بوده است؟ میانگین پاسخ‌ها ۲/۵ است. یعنی علایق قومی و قبیله‌ای در انتخاب نماینده مورد نظر رای دهندگان زیاد بوده است ... سؤال شده تا چه اندازه برنامه‌های ارائه شده از سوی نامزدها در انتخاب نماینده مورد نظران موثر بوده است. [که میانگین پاسخ‌ها ۲/۵] بیانگر تأثیر اندک تبلیغات و عدم توجه به برنامه‌های انتخاباتی نامزدهای از سوی رای دهندگان است ... با توجه به اینکه پدرسالاری یکی از شاخص‌های عمده فرهنگ پدرسالار به شمار می‌رود، از پاسخگویان پرسیده شده است تا چه اندازه در رای دادن تابع پدر، شوهر یا رئیس خانواده هستید ... [که میانگین پاسخ‌ها ۳] نشان می‌دهد این امر تقریباً به میزان متوسط در رای دهندگان موثر بوده است»^{۱۶} همان‌گونه که تحقیق یاد شده نشان می‌دهد تأثیر فرهنگ قومی و عشیره‌ای به

نحو مشخص و برجسته‌ای در جهت دهی انگیزه‌ها و اهداف رای دهندگان نقش اساسی را ایفا می‌کند و تمایل به گزینش فردی که «خودی» محسوب می‌شود و یا به عبارت دیگر از اعضای قوم یا گروه فرد است برجسته می‌شود. این نوع نگاه در سطح وسیع خود، حتی در گروه‌های فعال سیاسی نیز قابل پیگیری است و تبعات منفی آن همان‌گونه که واینر اشاره می‌کند این است که «وقتی منزلت اجتماعی هدف گروه‌های اجتماعی رقیب شود، موضوع اصلی از اینکه سیاست حکومت چه چیزی باید باشد به اینکه چه کسی سیاست حکومت را تعیین خواهد کرد تبدیل خواهد شد»^{۱۷} از وجوه تمایز دیگری که در خصوص ویژگی‌های فرهنگی جوامع روستایی و عشیره‌ای با جوامع شهری می‌توان به آن اشاره کرد، امکان افناع ذهنی افراد این جامعه در کنش‌های اجتماعی است. منظور ما از این نکته این است که علی‌رغم اینکه تغییر فرهنگی در این جوامع به کندی و سختی صورت می‌پذیرد، لیکن در حوزه سنت‌ها دلایل ارائه شده به گونه سهل و آسان می‌تواند به افناع ذهنی افراد این جامعه منتهی شود. به عنوان مثال اگر برای یک فرد روستایی شرکت در امر انتخابات به عنوان یکی از تکالیف دینی او معرفی شود پذیرش چنین تحلیلی به آسانی برای او صورت می‌گیرد و در نتیجه حضور در عرصه خواسته شده را انجام می‌دهد.

در عین حال باید توجه داشت که در اینجا منظور ما از ساختار قومی و قبیله‌ای حاکم به مفهوم کلاسیک آن که نمادی از تعارض بلا انقطاع سنت و تجدد است، نیست بلکه نمودی از فضا و تعامل تجدد و سنت در پی ریزی رفتار اجتماعی است «تجدد و سنت به استعاره هر دو در نهایت نوعی گفتمانند. به همین دلیل نباید فراموش کرد که بسیاری از سنت‌ها ساخته و پرداخته تجددند. [هابز بام] مورخ سنت‌گراترین کشور سرمایه داری پیشرفته (بریتانیا) تاکید می‌کند که بیشتر سنت‌هایی که خیلی کهنه به نظر می‌رسند یا مدعی چنین قدمتی هستند غالباً منشایی بسیار اخیر دارند و گاهی هم اصلاً (از هیچ) اختراع می‌شوند. سنت اختراع شده‌ای که مجموعه‌ای از کارها و اعمالی است که ماهیتی نمادین دارند و سعی می‌کنند ارزش‌های معین یا هنجارهای رفتاری معینی را از طریق تکرار که طبعا امتداد و پیوستگی با گذشته تاریخی مناسبی را تداعی می‌کند، تلقین کنند»^{۱۸} باید توجه داشت که در این فضا دیگر نمی‌توان انجام کنش و واکنش‌های قومی را تنها به معنی پایبندی به ساختار بسته سنتی قوم‌گرایی تعبیر نمود. بلکه گزینش بهینه‌ای از تعامل فرد با گروه خود جهت یک خواست وسیع‌تر خواهد بود و آن حفظ منافع قابل قبول برای شخص رای دهنده است. این منظر در جامعه‌شناسی سیاسی جدید همان‌گونه که کیت نش اشاره می‌کند فضای تحلیلی و تحقیقی دگر گونه‌ای را پدید می‌آورد. «چند پارگی و شکسته شدن ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی، رشد رسانه‌های جمعی و مصرف‌گرایی و زوال مشاغل و جوامع با ثبات همه و همه بدین معنی است که هویت اجتماعی خدشه‌ناپذیر و مسلم‌انگاشته شده سابق اکنون سیاسی شده‌اند. در این شرایط ظهور جنبش‌ها و شبکه‌های اجتماعی که به گونه‌ای متفاوت از احزاب سازمان یافته‌اند و هویت‌های غیر طبقاتی نظیر جنسیت، قومیت و هویت جنسی را نمایندگی می‌کنند، هم محتوا و هم شکل سیاست را تغییر داده‌ات در حال حاضر یک تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی سیاسی رخ داده است. به طوری که این رشته از

مدل‌های دولت محور و طبقاتی مشارکت یا عدم مشارکت دور شده و به طرف درک جدیدی از سیاست به مثابه پدیده‌ای که در همه تجربیات اجتماعی حضور دارد، حرکت نموده است.^{۱۹}»

با توجه به مطالب یاد شده لازم به یادآوری است که در این تحقیق بحث دو شیوه متفاوت رفتار انتخاباتی رای دهندگان الزاماً به معنای دو گونه متعارض و روی در روی هم منظور نگردیده است. پایبندی به بحث تقلیل گرایانه قوم گرایی و محوریت قرار دادن آن از نظر روشی و نتیجه گیری نیز ما را لاجرم دچار تعارض می‌کند زیرا بر این اساس هنگامی که بحث قومیت گرایی مبنا قرار می‌گیرد ما با یکی از اشکال بحران هویت مواجه خواهیم بود. در صورتی که حداقل در این نوشتار تاکید فرا روی ما بر روی وجوه مختلف بحران مشروعیت و کارآمدی است که دست به گریبان یک نظام ایدئولوژیک می‌باشد. این نوع دولت چون از ساخت و سامان دهی ساختارهای مناسب سیاسی باز می‌ماند با تاکید بر روی الگوهای مشارکت توده‌ای برگرفته از نظام‌های پوپولیستی به مشارکت وسیع توده‌ای در جهت سامان دهی یک دموکراسی محدود و قائم به فقیه سالاری گام بر می‌دارد که بعد از فرو کش نمودن شورها و هیجان‌های اولیه فضای انقلابی متأثر از داده‌های ایدئولوژیک، عملاً درگیر ساز و کارهای ناسالم، نگاه‌های قومی و ایلی، گروهی و فردی می‌شود که از نادانی و بی تفاوتی شهروندان بهره می‌جوید. در این فضا بدیهی است بیشترین اقبال حکومت در مناطق روستایی و شهرهای کوچک قرار دارد که از فضای ناسالم ذکر شده برخوردار بوده و یا مستعد آن هستند. این نکته حتی در موضع‌گیری‌ها و بیانات مقامات حکومتی نیز وجود دارد. به عنوان مثال دبیر شورای نگهبان در نماز جمعه مورخ ۱۳۸۲/۲/۴ ضمن اشاره به تخلفات مختلف در امر انتخابات خواستار پیگیری سریع‌تر مسائل از سوی قوه قضائیه می‌شود و اظهار می‌دارد: «طوری نشود که نرخ هر رای هنگام صبح دو هزار تومان باشد و در شب به بیست هزار تومان برسد. به هر حال این تخلفات این قدرها هم مخفی نیست ... البته این تخلفات در تهران و شهرهای بزرگ وجود نداشت و صرفاً در برخی از شهرهای کوچک به وقوع پیوست.»^{۲۰}

۳ - بررسی رفتار انتخاباتی استان کهگیلویه و بویراحمد و استان مرکزی

هفتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی با فراز و نشیب‌های فراوانی در اول اسفند ماه ۱۳۸۲ برگزار گردید برابر گزارش رسمی وزیر کشور که در روز افتتاحیه مجلس هفتم در تاریخ ۱۳۸۲/۳/۷ قرائت گردید و در سایت اطلاع رسانی وزارت کشور نیز موجود است^{۲۱}، بر اساس زمان بندی انتخابات از روز ۸۲/۹/۲۲ ثبت نام از داوطلبان نمایندگی در ۲۰۷ حوزه انتخابیه وزارت کشور و نمایندگی‌های سیاسی خارج از کشور به مدت یک هفته انجام گرفت و طی آن ۸۱۷۲ نفر شامل ۷۳۴۴ مرد و ۸۲۸ نفر زن ثبت نام کردند. همزمان هیئت‌های اجرائی در ۸۴۹ حوزه انتخابیه اصلی و فرعی تشکیل شد و در این راستا به منظور انتخاب معتمدان اقشار مختلف مردم برای تشکیل هیئت‌های اجرائی و در مجموع ۲۹ هزار و ۷۵۱ نفر از معتمدان توسط فرمانداران حوزه‌های انتخابیه به هیئت‌های نظارت معرفی شدند که تعداد ۹۹۲۵ نفر توسط هیئت‌های نظارت رد صلاحیت شدند، تعداد ۴۴۸۷ نفر رد صلاحیت

شدگان از ایثارگران، تعداد ۴۰۳۳ نفر از مدیران میانی و ارشد اجرائی دارای سابقه در هیئت‌های اجرائی و تعداد ۸۶۷ نفر از خانواده شهدا بودند. هیئت‌های اجرائی در بررسی‌های قانونی خود و با استفاده از سوابقی که در چارچوب قانون و همراه با سند و مدرک بود، صلاحیت تعداد ۴۳۴ نفر از داوطلبان را رد کردند و در مرحله بعد هیئت‌های نظارت استان و هیئت مرکزی نظارت صلاحیت تعداد ۳۶۱۷ نفر از داوطلبان را رد نمودند. برای تعداد ۱۵۹۹ نفر عنوان عدم احراز بدون ذکر استناد قانونی به عنوان مستند رد صلاحیت ذکر شده بود. همچنین تعداد ۱۸۲۸ مورد به عنوان عدم التزام به اسلام و ولایت مطلقه فقیه و تعداد ۱۴۰۹ مورد اتهام عدم التزام به نظام جمهوری اسلامی و وفاداری به قانون اساسی و تعداد ۷۵۱ مورد به اتهام سوء شهرت در محل و تعداد ۵۵ مورد اتهام اعتیاد یا قاچاق مواد مخدر و ۳۵ مورد اتهام وابستگی به رژیم سابق از قبیل عضویت در ساواک و فراماسونری برای داوطلبان ذکر شده بود. تعداد ۸۵ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تعداد ۱۴۶۰ نفر از ایثارگران و تعداد ۲۲۵ نفر از اساتید دانشگاه نیز در بین این رد صلاحیت شدگان بودند. در پایان مهلت قانونی بررسی صلاحیت‌ها با اعلام نظر نهایی شورای نگهبان، که طی آن تعداد ۲۱۸۵ نفر از داوطلبان از جمله ۷۶ تن از نمایندگان مجلس رد صلاحیت شدند و با انصراف ۱۳۰۲ نفر از داوطلبی، تبلیغات انتخاباتی بین ۴۶۶۵ نفر از داوطلبان برای انتخاب ۲۸۹ نماینده مجلس آغاز شد. بنا بر این گزارش تعداد ۲۳ میلیون و ۷۳۴ هزار و ۶۷۷ نفر از واجدان شرایط در انتخابات شرکت و رای خود را در صندوق‌های رای انداخته که بر اساس آمارهای اعلام شده توسط مرکز آمار ایران، میزان مشارکت در انتخابات ۵۱/۲۱ درصد بوده است. از این تعداد یک میلیون ۴۰۳ هزار و ۶۹۱ رای سفید و جزو رای آرای باطله بود و ۴۹ هزار ۹۹۹ رای نیز جزء آمار باطله غیر مأخوذه اعلام گردیده است. مشخصات فردی ۲۸۵ نماینده بدین شرح اعلام شده است: ۲۷۳ نفر مرد، ۱۲ نفر زن، ۴ نفر دارای مدرک تحصیلی زیر فوق دیپلم، ۱۷ نفر دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم، ۷۵ نفر دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۷۷ نفر دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد، ۷۲ نفر دارای مدرک تحصیلی دکترا و ۴۰ نفر دارای تحصیلات حوزوی هستند. ۴۸ نفر در مقطع سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، ۱۵۸ نفر در مقطع سنی ۴۰ تا ۵۰ سال، ۶۱ نفر در مقطع سنی ۵۰ تا ۶۰ سال و ۱۸ نفر در مقطع سنی ۶۱ سال به بالا قرار دارند. ۶۸ نفر، از نمایندگان دوره ششم مجلس می‌باشند.

طبق آمار ارائه شده از سوی سایت اطلاع رسانی وزارت کشور استان تهران با هشت میلیون و ۲۶۱ هزار و ۶۱ نفر یعنی در حدود ۱۷/۸۲ درصد بیشترین واجدان شرایط شرکت در انتخابات را داشته است. آمار نهایی شرکت کنندگان در انتخابات مجلس هفتم حکایت از آن دارد^{۲۳} که استان کهگیلویه و بویراحمد با ۸۹/۵۴ درصد آرا و استان ایلام با ۸۴/۷۵ درصد آرا بیشترین شرکت کننده را نسبت به واجدین شرایط استان مربوطه داشته‌اند و استان کردستان با ۳۲/۲۶ درصد آرا و تهران با ۴۷/۳۳ درصد آرا کمترین مشارکت را در امر انتخابات به ثبت رسانده‌اند.

استان کهگیلویه و بویراحمد و استان مرکزی که به عنوان نمونه بررسی آماری مورد نظر این تحقیق انتخاب شده‌اند، دارای ویژگی‌های متفاوت و قابل توجه‌ای در خصوص متغیرهای تأثیر گذار بر آرای رفتار رای دهندگان می‌باشند که در فصل گذشته به اختصار به آن اشاره گردید. آمار مشارکت انتخاباتی برای استان

کهگیلویه و بویراحمد ۸۹/۵۴ درصد و برای استان مرکزی ۴۲/۷۹ درصد اعلام گردیده است که تفاوت فاحشی را نشان می‌دهد. هر دو استان به جهت وجود متغیرهای تأثیر گذار بر رفتار انتخاباتی رای دهندگان از جمله قومیت، شهرنشینی، شیوه تولید صنعتی یا کشاورزی، میزان سواد و جنسیت و... با توجه به آمارهای رسمی منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است^{۲۳}، تمایزها و ویژگی‌های متفاوتی را بیان می‌کند که در شکل دهی رفتار انتخاباتی رای دهندگان حائز اهمیت است. از سوی دیگر شائبه‌های سیاسی و مسائل حاشیه‌ای کمتر، این دو استان را به نظر به عنوان نمونه آماری مناسب‌تری نشان می‌دهد.

همان‌گونه که جدول شماره ۱-۳ نشان می‌دهد در حالی که میزان مشارکت مردم کهگیلویه و بویراحمد بنا بر آمار سایت وزارت کشور^{۲۴} در مجلس اول تا مجلس هفتم تقریباً یک سیر صعودی را از ۴۳/۹۳ درصد به ۸۹/۵۴ درصد را نشان می‌دهد این آمار برای استان مرکزی تقریباً بیانگر یک سیر نزولی می‌باشد. آرای رای دهندگان در مجلس اول برای استان مرکزی ۹۰/۱۱ و برای مجلس هفتم ۴۲/۷۹ درصد را نشان می‌دهد

در صد مشارکت واجدین شرایط هفت دوره مجلس شورای اسلامی

استان	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم	دوره پنجم	دوره ششم	دوره هفتم
کهگیلویه و بویراحمد	۴۳/۹۳	۷۸/۸۷	۸۴/۹۳	۸۶/۶۲	۹۶/۱۶	۹۶/۵۱	۸۹/۵۴
مرکزی	۹۰/۱۱	۷۲/۱۸	۷۶/۷۳	۶۴/۹۵	۷۲/۷	۶۸/۳۶	۴۲/۷۹

جدول شماره ۱-۳

۱-۳ بررسی ترکیب جمعیتی دو استان و تأثیر آن بر آرای رای دهندگان

بنا بر برآوردهای جمعیتی کشور، استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۲ جمعیتی بالغ بر ۶۵۴۱۴۲ نفر داشته که از این تعداد بیش از نیمی در روستا زندگی می‌کنند. علی‌رغم عدم وجود آمار دقیق ترکیب قومی استان، با توجه به کثرت جمعیت روستایی و حتی نام استان که خود به نوعی بیان‌کننده وجوه قومی این استان است می‌توان انتظار داشت که با توجه به الگوهای تحلیل رفتار انتخاباتی که در فصل گذشته به اختصار بیان گردید رفتار انتخاباتی این استان را بر اساس رفتار انتخاباتی عشیره‌ای و روستایی تبیین شود. همان‌گونه که در جدول شماره ۲-۳ نشان داده شده است ترکیب جمعیت شهری و روستایی این استان در شهرهای گوناگون متفاوت است در حالی که دنا با ۸۲/۴۱ درصد جمعیت روستایی مواجه هست این ترکیب برای شهرستان گچساران ۳۲/۷۸ درصد جمعیت روستایی را نشان می‌دهد.

برآورد جمعیت تعدیل شده شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۲

مشخصات	کل جمعیت	شهری	روستایی	درصد شهری	درصد روستایی
کل استان	۶۵۴۱۴۲	۳۲۵۷۸۷	۳۲۸۳۵۵	۴۹/۸۰	۵۰/۲۰

۴۶/۲۵	۵۲/۷۵	۹۷۲۴۸	۱۱۳۰۲۵	۲۱۰۲۷۳	بویراحمد
۸۳/۴۱	۱۳/۵۹	۵۰۴۲۲	۷۹۲۷	۵۸۳۵۰	دنا
%۵۵	%۴۵	۱۳۴۶۳۸	۱۱۰۴۳۶	۲۴۵۰۷۴	کهگیلویه
۳۲/۷۸	۶۷/۲۲	۴۶۰۴۷	۹۴۳۹۸	۱۴۰۴۴۵	گچساران

جدول شماره ۲-۳

جالب توجه است که با توجه به ترکیب جمعیت قومی و روستایی و شهری نه تنها آمار انتخاباتی بین استان‌ها بلکه آمار انتخاباتی بین شهرستان‌های یک استان نیز متفاوت است. از سه حوزه انتخابیه استان کهگیلویه و بویراحمد که برای هر یک از سه حوزه یک نماینده مورد نیاز بوده است. بنا بر آمار منتشره از سوی وزارت کشور که در جدول ۲-۳ درج گردیده است حوزه گچساران با ترکیب جمعیتی کمترین جمعیت روستایی کمترین مشارکت را در امر انتخابات داشته‌اند. همچنین بنا بر این آمار آرای باطله (شامل آرای باطله و سفید می‌باشد) این حوزه انتخابیه علی‌رغم مشارکت کمتر نسبت به حوزه‌های انتخاباتی دیگر تعداد بیشتری را نشان می‌دهد. این در حالی است که به گونه عجیبی در حوزه انتخابیه کهگیلویه آرای مأخوذه از آرای واجدین شرایط نیز پیشی گرفته است!؟

ترکیب و تعداد آرای مأخوذه مجلس هفتم در استان کهگیلویه و بویراحمد

مشخصات	حوزه بویراحمد و دنا	حوزه کهگیلویه	حوزه گچساران
تعداد کاندیدها	۹ نفر (مرد)	۱۰ نفر (مرد)	۱۶ نفر (مرد)
واجدین شرایط	۱۵۵۲۶۱	۱۴۷۷۴۴	۹۵۰۶۱
آرای مأخوذه	۱۴۳۸۴۸	۱۴۸۵۷۷	۶۵۸۹۱
آرای باطله	۱۸۲۵	۹۰۰	۳۳۸۰
آرای صحیح	۱۴۱۰۲۳	۱۴۷۶۷۷	۶۲۵۱۱
درصد آرا	%۹۲	۹۹/۹۵	۶۹/۳۱
کاندیدهای منتخب	ستار هدایت خواه	سید حاجی محمد موحد	محمد علی نبی زاده
آرای کسب نموده	۷۸۱۵۵	۵۳۰۱۰	۲۰۹۶۲
در صد آرای منتخب	۵۴/۷۱	۳۵/۹۰	۳۳/۵۳
درصد آرای نماینده منتخب نسبت به واجدین شرایط	۵۰/۳۴	۳۵/۸۷	۲۲/۰۵

جدول شماره ۲-۳

بررسی آمارهای وضعیت اجتماعی و اقتصادی و ترکیب جمعیتی استان پیش از پیش موید فضای قومی و روستایی است که در تبیین هر چه بیشتر رفتار انتخاباتی ایل و روستایی مورد نظر این تحقیق صادق می‌باشد. در ترکیب جمعیتی استان عشایر و ایل‌های کوچ نشینی از جمله ایل بویراحمد، ایل دشمن زیاری، ایل طیبی و... به چشم می‌خورد. بنا بر آمار سال ۱۳۷۷ عشایر بیلاقی ۱۳۴۷۹ خانوار بوده که جمعیتی در حدود ۹۲۹۵۱ نفر داشته است. از این تعداد عشایر بیلاقی ۵۲۱۹۲ نفر در حوزه بویراحمد، ۳۶۲۸۸ نفر در حوزه کهگیلویه و ۳۴۷۱ نفر در حوزه گچساران حضور دارند. همچنین عشایر قشلاقی ۱۱۷۴۰ خانوار بوده که جمعیتی برابر با ۸۰۴۰۴ نفر داشته است. از این تعداد عشایر قشلاقی ۱۵۸۰۵ نفر در حوزه بویراحمد، ۵۰۵۵۳ نفر در حوزه کهگیلویه و ۱۴۰۴۶ نفر در حوزه گچساران حضور

دارند. اگر یکی از ویژگی‌های یک جامعه قومی و بسته را ثبات و پایبندی به رفتار و فرهنگ سنتی جامعه بدانیم شاید بتوان به عنوان یک شاخص اجتماعی به آمارهای ازدواج و طلاق یک جامعه رجوع کرد. آمارهای به نسبت بالای ازدواج و به ترتیب آمارهای به نسبت کم طلاق در این استان خود حاکی از وجود فرهنگی با ثبات و تأثیر گذار بر اعمال و افکار شهروندان است. این آمار برای سال ۱۳۸۱، ۴۹۵۶ ازدواج و ۲۲۲ مورد طلاق را نشان می‌دهد. محققین معمولاً یکی از ویژگی‌های یک فرهنگ قومی و روستایی را سیطره فرهنگ مرد سالار در این گونه جوامع دانسته‌اند ... بررسی ترکیب جنسی کاندیداهای سه حوزه انتخابیه این استان به گونه‌ای می‌تواند موید این فرهنگ باشد. از مجموع ۲۵ کاندیدای این استان هیچ یک از کاندیداهای زن نمی‌باشد. حتی از زاویه دیگر ترکیب جمعیتی کاندیداهای در این استان نیز وضعیت خاصی را نشان می‌دهد همان گونه که جدول ۳-۲ نشان می‌دهد در حالی که در حوزه انتخابیه گچساران کمترین تعداد واجدین شرایط رای دادن را داریم اما این شهرستان از ترکیب شهر نشینی بیشتری برخوردار است. تعداد کاندیداهای این حوزه از بقیه حوزه‌ها به طور چشمگیری بیشتر است که این خود به نوعی حاکی از آن است که تحرک اجتماعی بیشتر و وجود افرادی که حاضرند در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی شرکت یابند همواره در یک جمعیت شهری بیشتر بوده است در حالی که معمولاً در ترکیب‌های قومی و روستایی سنت‌ها و رایزنی‌های قومی و ایلی و حتی فضای فکری و فرهنگی فرد محدودیت‌هایی را برای حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را برای افراد فراهم می‌کند. در سطور آینده نشان داده خواهد شد که بررسی آمارهای موجود استان مرکزی به گونه‌ای موید مطالب یاد شده می‌باشد.

بنا بر آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران برآورد جمعیتی برای استان مرکزی - که در جدول شماره ۴-۲ بیان گردیده - حکایت از آن دارد که این استان با ۶۶/۰۹ درصد جمعیت شهری و ۳۳/۹۱ درصد جمعیت روستایی بافت اجتماعی متفاوتی را نسبت به استان کهگیلویه و بویراحمد دارد و اگر تحلیل ما در خصوص تأثیر متغیرهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر رفتار انتخاباتی مورد نظر درست باشد بایستی رفتار انتخاباتی دگرگونه‌ای (بجای رفتار انتخاباتی ایلی و روستایی) را از شهروندان این استان شاهد باشیم.

برآورد جمعیت تعدیل شده شهرستان‌های استان مرکزی در سال ۱۳۸۲ (با توجه به تقسیم بندی حوزه‌های انتخاباتی)

مشخصات	کل جمعیت	شهری	روستایی	درصد شهری	درصد روستایی
کل استان	۱۳۲۸۴۱۹	۸۷۷۹۰۳	۴۵۰۵۱۶	۶۶/۰۹	۳۳/۹۱
اراک و کمجان	۶۵۹۱۲۸	۴۸۲۵۲۷	۱۷۶۶۰۲	۷۳/۲۱	۲۶/۷۹
تفرش و آشتیان	۷۱۱۳۶	۲۹۷۲۶	۴۱۴۱۰	۴۱/۷۹	۵۸/۲۱
خمین	۱۱۸۰۸۷	۶۹۳۰۳	۴۸۷۸۳	۵۸/۶۹	۴۱/۳۱
ساوه و زرنديه	۲۵۸۵۴۵	۱۸۶۴۸۸	۷۲۰۵۸	۷۳/۱۳	۲۷/۸۷
محلان و دلیجان	۹۱۳۴۳	۷۳۱۹۰	۱۸۱۵۳	۸۰/۱۳	۱۹/۸۷
سریند (شازند)	۱۳۰۱۷۹	۳۶۶۷۰	۹۳۵۰۹	۲۸/۱۷	۷۱/۸۳

جدول شماره ۴-۳

بنا بر آمار کلی جمعیت مشارکت کننده در امر انتخابات بین دو استان یاد شده مشاهده شد (جدول شماره ۱-۳) که استان مرکزی با جمعیتی شهری ۶۶/۰۹ درصد از استان کهگیلویه و بویراحمد که جمعیت روستایی بیشتری داشت به طور چشمگیری (۷۵,۴۶) مشارکت کمتری را نشان داده است. از سوی دیگر بررسی آمارهای جمعیتی و آرای انتخاباتی سطح استان روند گوناگون و در عین حال یکسانی را با یافته‌های تحلیل رفتار انتخاباتی این تحقیق به ثبت می‌رساند. در حالی که از شش حوزه انتخابیه استان مرکزی بنا بر آمار مندرج در جدول شماره ۵-۳ سرزند (شازند) و تفرش و آشتیان بیشترین جمعیت روستایی را دارند، بیشترین مشارکت انتخاباتی را در این دو حوزه انتخاباتی مشاهده می‌کنیم. در حوزه تفرش و آشتیان ۷۵/۶۸ درصد مشارکت و در حوزه انتخابیه سرزند ۵۸/۷۶ درصد مشارکت به ثبت رسیده است.

ترکیب و تعداد آرای مأخوذه در مجلس هفتم در استان مرکزی

مشخصات	اراک و کمیجان	تفرش و آشتیان	خمین
تعداد کاندیدها	۵۳ نفر (۵ زن و ۴۸ مرد)	۱۶ نفر (۱ زن و ۱۵ مرد)	۲۵ (مرد)
واجدین شرایط	۶۱۱۳۸۸	۶۰۰۱۷	۹۶۳۳۸
آرای مأخوذه	۲۰۰۴۸۹	۴۵۴۳۲	۵۴۴۶۸
آرای باطله	۱۹۸۶۰	۷۹۷	۲۰۵۳
آرای صحیح	۱۸۰۶۲۹	۴۴۶۳۵	۵۲۴۱۵
درصد آرا	۳۲/۷۹	۷۵/۶۸	۵۶/۶۰
کاندیدهای منتخب	عباس رجایی و حسن مرادی	علی دانش منفرد	بهرام حبیبی
آرای کسب نموده	۴۷۴۶۴ و ۴۱۷۵۴	۱۸۴۱۶	۱۳۸۱۲
در صد آرای منتخب	۲۳/۱۲ و ۲۶/۲۸	۴۱/۳۷	۲۶/۳۵
درصد آرای نماینده منتخب نسبت به واجدین شرایط	۶/۸۳ و ۷/۷۶	۳۰/۶۸	۱۴/۳۵

ادامه ترکیب و آرای مأخوذه استان مرکزی

مشخصات	ساوه و زرنديه	شازند	محللات و دلیجان
تعداد کاندیدها	۱۶ نفر (۲ زن و ۱۴ مرد)	۱۰ نفر (مرد)	۲۱ نفر (۲ زن و ۱۹ مرد)
واجدین شرایط	۱۶۹۸۱۸	۱۰۳۴۹۲	۶۶۹۸۴
آرای مأخوذه	۸۲۵۶۵	۶۰۳۲۱	۳۰۴۵۳
آرای باطله	۴۶۶۹	۱۶۲۲	۲۱۳۸
آرای صحیح	۷۷۸۹۶	۵۸۵۹۹	۲۸۳۱۵
درصد آرا	۴۸/۶۲	۵۸/۷۶	۴۵/۴۶
کاندیدهای منتخب	حسن اسلامی	قاسم عزیزی	علیرضا سلیمی
آرای کسب نموده	۱۹۲۸۶	۲۲۵۲۷	۶۸۲۴
در صد آرای منتخب	۲۴/۷۴	۳۸/۴۴	۲۴/۱
درصد آرای نماینده منتخب نسبت به واجدین شرایط	۱۱/۳۶	۲۱/۹۸	۱۰/۱۹

جدول شماره ۵-۳

حوزه انتخابیه اراک و کمیجان که ۷۲/۲۱ درصد جمعیت آن شهر نشین محسوب می‌شود و حوزه انتخابیه محلات و دلیجان با ۸۰/۱۳ درصد جمعیت شهرنشین، به ترتیب با ۳۲/۷۹ درصد و ۴۵/۴۶ درصد کمترین مشارکت انتخاباتی را در مجلس هفتم در کل استان نشان داده‌اند. در خصوص ترکیب جنسی کاندیداهای این استان نیز از مجموع ۱۴۱ کاندیدای تایید صلاحیت شده ۱۳۱ نفر مرد و ۱۰ نفر زن می‌باشد. این ترکیب جنسی نیز در ترکیب شهری و روستایی شهرستان‌های استان با الگوی مورد نظر ما که در سطور گذشته عنوان شد هم خوانی دارد. در حالی که شهرستان سریند با ۷۱/۸۳ جمعیت روستایی، جمعیتی بالغ بر ۳۸۰۰۰ نفر بیش از حوزه انتخابیه محلات و دلیجان دارد، فاقد کاندیدای زن بوده در صورتی که حوزه محلات و دلیجان با ۸۰/۱۳ درصد جمعیتی شهری دارای دو کاندیدای زن می‌باشد. در حوزه خمین که بیشترین جمعیت روستایی پس از شاه زند و تفرش و آشتیان را داشته و در عین حال پس از این دو بیشترین آمار انتخاباتی را داشته است در بین ۲۵ نفر کاندیدای معرفی شده هیچ نماینده زنی مشاهده نمی‌شود. این ترکیب آماری نسبت به تعداد کاندیداهای حوزه‌های انتخابیه این استان نیز قابل توجه است. شازند با ۱۰ کاندیدا (با جمعیت بیشتر و با درصد جمعیت روستایی بالاتر) و حوزه انتخابیه محلات و دلیجان با ۲۱ نفر کاندیدا (با جمعیت کمتر و جمعیت شهر نشین بیشتر) انتخابات مجلس هفتم را سپری کرده‌اند.

در ترکیب جمعیتی استان عشایر و ایل‌های کوچ نشینی از جمله ایل شاهسون و ... به چشم می‌خورد. که نسبت به جمعیت موجود استان آمار قابل توجه‌ای را نشان نمی‌دهد و لذا می‌توان گفت از تأثیر فرهنگی کمی نیز برخوردار هستند. بنا بر آمار سال ۱۳۷۷ عشایر بیلاقی ۷۷۱ خانوار بوده که جمعیتی در حدود ۴۹۶۱ نفر داشته است. از این تعداد عشایر بیلاقی ۴۵۰ نفر در حوزه خمین و ۴۵۱۱ نفر در حوزه ساوه حضور دارند. همچنین عشایر قشلاقی ۶۰۴ خانوار بوده که جمعیتی برابر با ۳۷۵۲ نفر داشته است. از این تعداد عشایر قشلاقی ۱۲۱ در حوزه دلیجان و ۳۶۳۱ نفر در حوزه ساوه حضور دارند.

۲-۲ بررسی وضعیت آموزشی دو استان و تأثیر آن بر رفتار انتخاباتی شهروندان

در خصوص بحث آموزش و تعامل آن با فرهنگ اجتماعی و سیاسی از آنرو که سخن از کیفیت به مراتب بیشتر از کمیت مورد نظر می‌تواند باشد، تکیه بر داده‌های آماری به مراتب نامطمئن‌تر است. بنا بر آمار سال ۱۳۸۱، ۷۵/۵ درصد جمعیت استان باسواد می‌باشند. تعداد دانش آموزان استان در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰؛ ۲۲۱۴۴۳ نفر بوده‌اند که از این تعداد ۵۵/۲ پسر و ۴۴/۸ دختر بوده‌اند. بیشترین دانش آموز در دوره ابتدایی (۹۲۰۳۵ نفر) در حال تحصیل بوده‌اند که ۴۱/۵ از کل دانش آموزان را شامل بوده است. کارکنان آموزشی، دفتری و اداری در سال ۸۱-۱۳۸۰؛ ۱۲۳۳۷ نفر بوده‌اند که ۸۷۹۰ نفر آن‌ها کارکنان آموزشی بوده‌اند. از ۲۲۰۶۲۸ دانش آموز در استان (بدون دانش آموزان استثنایی)؛ ۳۱/۲ در شهرستان بویراحمد، ۳۷ درصد در شهرستان کهگیلویه، ۲۰/۵۶ در شهرستان گچساران، ۸/۰۸ در شهرستان دنا مشغول به تحصیل بوده‌اند (۲/۰۷ عشایر می‌باشند) بنا بر آمار سال ۱۳۸۰ تعداد با سوادان در سطح عالی ۶۷۷۱ نفر بوده که از این تعداد ۵۸۳۰ نفر در شهر و ۹۲۸ نفر در روستا زندگی می‌کنند. بنا بر این آمار درصد باسوادها در سطح عالی نسبت به جمعیت استان ۱/۰۳ درصد می‌باشد که با توجه به ترکیب جمعیت شهری و روستایی این استان ۰/۳۴ درصد یعنی کمتر از نیم درصد این باسوادها در مناطق روستایی و ۳/۲۰ درصد آن در مناطق شهری زندگی می‌کنند با توجه به تأثیر فرهنگی زیاد این قشر می‌توان فقدان یا کمبود حضور این قشر را چه در مناطق روستای و چه در مناطق شهری را یکی از دلایل عدم پویایی فرهنگی یک منطقه و در نتیجه تداوم یا تأثیر فراگیرتر سنت‌ها و پیوندهای قومی دانست. همان‌گونه که جدول شماره ۶-۳ نشان می‌دهد درصد با سوادان جمعیت شهری نسبت به جمعیت شهری ۸۷/۷۳ درصد برآورد می‌شود و این درصد نسبت به جمعیت روستایی ۶۷/۵ درصد را نشان می‌دهد.

جمعیت و با سوادان ۶ ساله بیشتر در مناطق شهری و روستایی ۱۳۷۵

کل جمعیت	مرد	زن	جمعیت باسواد	مرد باسواد	زن باسواد
۱۸۱۷۲۸	۹۳۶۸۰	۸۸۰۴۸	۱۵۹۴۴۶	۸۶۱۹۶	۷۳۲۵۰
۲۷۰۰۵۹	۱۲۴۵۲۵	۱۳۵۵۳۴	۱۸۲۴۲۹	۱۰۳۶۱۷	۷۹۸۱۲

جدول شماره ۶-۳

باید به این نکته توجه داشت که این آمار بیان کننده سطح واقعی سواد مناطق روستایی و حتی شهری نمی‌باشد. تأثیر سواد بر پروسه رفتار انتخاباتی شهروندان با شاخص‌هایی چون جهت گیری نسبت به احزاب، خواسته‌های انتخاباتی، جریانان سیاسی حاکم و... به گونه‌ای قابل سنجش می‌تواند قابل توجه باشد، حداقل به عنوان یک شاخص، تداوم درصد شرکت کنندگان با توجه به تغییر چشم

گیر فضای انتخاباتی می‌تواند سؤال بر انگیز باشد. درصد مشارکت مندرج در جدول شماره ۷-۳ حکایت از آن دارد که علی رغم تفاوت در فضای سیاسی و شرایط حاکم در دوره‌های پنجم و ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی، در آرای داده شده شهروندان این استان تغییر محسوس را بوجود نیاورده است؛ و این خود شاید به نوعی تأثیر فراگیر مسائل دیگری بجز مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مطروحه در این زمان‌ها را بر رفتار انتخاباتی شهروندان این استان نشان دهد. در حالی که در این دوره‌ها به شکل مشهودی این شرایط بر رفتار انتخاباتی شهروندان ایرانی تأثیر چشم گیری گذاشته است. این نکته خود حکایت از تأثیر یا سیطره مکانیسم فراگیرتری بر رفتار رای دهندگان این استان و یا مناطق مشابه دارد که ما از آن به عنوان رفتار انتخاباتی عشیره‌ای و روستایی یاد کرده‌ایم. اطلاعات دیگری که می‌تواند در خصوص مکانیسم‌های درونی‌تر رفتار سیاسی و اجتماعی شهروندان این استان به بحث ما کمک کند آمار فعالیت سازمان‌های فرهنگی در حوزه‌های مختلف است. این سازمان‌ها جدا از فعالیت در عرصه فرهنگی و سیاسی در جهت دهی افکار عمومی می‌تواند نقش موثری داشته باشد و معمولاً در مناطق شهری که پیوندهای سنتی و قومی در انتقال داده‌ها فرهنگی به شکل عام ناتوان یا ناکارآمد است این سازمان‌ها به عنوان حلقه‌های پیوند دهنده می‌توانند نقش فعالی داشته و نیاز برای وجود آن‌ها به شدت احساس می‌شود. در حالی که بنا بر آمار سال ۱۳۷۹ سازمان‌های مذهبی و سیاسی و سایر سازمان‌های دارای عضو بر حسب نحوه مدیریت در استان مرکزی ۲۰۹۷ عدد (۲۰۸۴ عدد خصوصی و ۱۳ عدد عمومی) بوده است. این آمار برای استان کهگیلویه و بویراحمد ۲۳۸ عدد (خصوصی) می‌باشد.

آمار انتخاباتی هفت دوره مجلس شورای اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد

دوره مجلس	واجدین شرایط	آرای مأخوذه	درصد شرکت کنندگان
مجلس اول	۱۴۱۵۷۲	۶۲۱۹۳	۴۳/۹۳
مجلس دوم	۱۷۱۳۸۵	۱۳۵۱۷۸	۷۸/۸۷
مجلس سوم	۲۰۷۴۷۵	۱۷۶۲۱۴	۸۴/۹۳
مجلس چهارم	۲۵۱۱۶۶	۲۱۷۵۵۹	۸۶/۶۲
مجلس پنجم	۲۸۳۰۰۰	۲۷۲۱۷۲	۹۶/۱۶
مجلس ششم	۳۱۹۷۴۸	۳۰۸۵۷۷	۹۶/۵۱
مجلس هفتم	۳۹۸۰۶۷	۳۵۶۴۱۲	۸۹/۵۴

جدول شماره ۷-۳

در خصوص وضعیت آموزشی استان مرکزی آمار جدول شماره ۸-۳ نشان می‌دهند که ۸۶/۳۴ درصد جمعیت شهری و ۶۹/۹۲ درصد جمعیت روستایی از نعمت سواد بهره‌مند می‌باشند. تعداد دانش آموزان سال تحصیلی ۸۱-۸۲ در استان ۳۲۴۶۵۱ نفر بوده که از این تعداد ۸۹۱۸۶ نفر در دوره متوسطه و پیش دانشگاهی مشغول تحصیل بوده‌اند. تعداد کارکنان آموزشی در این سال ۸۱-۸۲ طبق آمار ۵۱۰۷ نفر اعلام شده است. آمار واجدین تحصیلات عالی در استان ۲۴۶۴۱ (۱۶۶۱۴ نفر مرد و ۸۰۲۷ نفر زن) نفر بوده که از این تعداد ۲۱۷۵۴ نفر در شهر و تعداد ۲۸۸۷ (۲۳۷۱

نفر مرد و ۵۱۶ نفر زن) نفر در روستا زندگی می‌کنند. بنا بر این نسبت باسوادان در سطح عالی نسبت به جمعیت استان ۱/۸۵ را نشان می‌دهد که این نسبت برای جمعیت شهری ۳/۵۲ درصد و برای جمعیت روستای ۰/۶۵ درصد را نشان می‌دهد که نسبت به استان کهگیلویه و بویراحمد وضعیت مناسب‌تری را نشان می‌دهد.

جمعیت و با سوادان ۶ ساله بیشتر در مناطق شهری و روستایی ۱۳۷۵

کل جمعیت	مرد	زن	جمعیت باسواد	مرد باسواد	زن باسواد
۶۱۶۵۲۲	۳۱۳۳۴۱	۳۰۳۱۹۱	۵۳۳۳۱۹	۲۸۳۴۹۱	۲۴۸۸۲۸
.....	۲۲۵۵۲۸	۲۳۶۲۳۰	۳۳۲۸۸۳	۱۷۳۱۱۴	۱۴۹۷۶۹
جمعیت شهری					
روستایی					

جدول شماره ۸-۳

جالب توجه است بر خلاف آمار رای دهندگان استان کهگیلویه و بویراحمد، رفتار انتخاباتی شهروندان استان مرکزی فراز و نشیب‌های بیشتری را نشان می‌دهد. همان‌گونه که جدول شماره ۹-۳ حکایت می‌کند رفتار انتخاباتی متفاوت شهروندان در مقاطع مختلف با وضوح بیشتری قابل پیگیری است، در حالی که تقریباً روند مشارکت مردم در طی هفت دوره انتخابات مجلس سیر نزولی دارد - به طوری که بین آرای مشارکت کنندگان در مجلس اول و هفتم ۴۷/۳۲ درصد کاهش مشاهده می‌شود - بین مجلس پنجم و ششم تنها ۴/۳۴ درصد کاهش آرا مشاهده می‌گردد ولی این تفاوت بین مجلس هفتم و ششم به طور چشمگیری به ۲۵/۵۷ درصد افزایش می‌یابد.

آمار انتخاباتی هفت دوره مجلس شورای اسلامی استان مرکزی

دوره مجلس	واجدین شرایط	آرای مأخوذه	درصد شرکت کنندگان
مجلس اول	۴۷۲۰۵۵۵	۴۲۵۳۴۷	۹۰/۱۱
مجلس دوم	۵۳۳۷۸۰	۲۸۵۲۸۸	۷۲/۱۸
مجلس سوم	۶۱۵۱۹۴	۴۷۲۰۱۱	۷۶/۷۳
مجلس چهارم	۷۰۲۲۹۸	۴۵۶۱۶۶	۶۴/۹۵
مجلس پنجم	۷۳۳۰۰۰	۵۳۲۸۷۹	۷۲/۷
مجلس ششم	۸۰۶۱۶۴	۵۵۱۰۹۵	۶۸/۳۶
مجلس هفتم	۱۱۰۶۹۳۷	۴۷۳۶۱۸	۴۲/۷۹

جدول شماره ۹-۳

۲-۳ تولید صنعتی و تأثیر آن بر رفتار انتخاباتی شهروندان دو استان

با توجه به ترکیب جمعیت روستایی و شهری استان کهگیلویه و بویراحمد می‌توان حدس زد تولید صنعتی در این استان آمار پایینی را نشان دهد. تولید صنعتی به جهت ایجاد مناسبات فرهنگی و اجتماعی خاص تأثیر بسزایی می‌تواند بر رفتار انتخاباتی فرد بگذارد. از طرفی مناطق صنعتی با بهره‌گیری از نیروهای متخصص به افزایش سطح فرهنگی مناطقی که در آن تولید صنعتی صورت می‌گیرد کمک بسزایی می‌کند و از سوی دیگر به علت بهره‌گیری از متخصصین خارج از مناطق بومی در تغییر ترکیب جمعیتی و برقراری مناسبات خاص تولیدی و گسترش مناطق شهری کمک بسزایی می‌کند. آمار تولیدات صنعتی در این استان حکایت از آن دارد که اعم صنایع در استان، مواد غذایی و آشامیدنی، تولید پوشاک، تولید کاغذ و ... می‌باشد. بنا بر آمار موجود تعداد کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر، ۳۴ کارگاه بوده است که از این تعداد ۳۲ کارگاه بین ۱۰-۴۹ نفر نیرو داشته است و ۲ کارگاه هم ۱ ز ۱۰۰ نفر بیشتر نیرو داشته است. از نظر مالکیت نیز ۲۸ کارگاه متعلق به بخش خصوصی و ۶ کارگاه هم متعلق به بخش عمومی بوده است. قابل توجه است که شهرستان گچساران به مرکزیت دوگنبدان که بیشترین جمعیت شهر نشین را داشته و کمترین مشارکت را در امر انتخابات در استان داشته است، تنها منطقه‌ای است که به علت وجود تاسیسات نفتی در آنجا از برخی از وجوه مراکز صنعتی بهره‌مند است. شهرستان گچساران در منتهی‌الیه مناطق نفت خیز ایران قرار گرفته است. این منطقه از معروف‌ترین مناطق قدیمی صنعت نفت ایران می‌باشد. این در حالی است که بنا بر معرفی سالنامه آماری استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۲ در این استان شهرستان کهگیلویه به مرکزیت دهدشت «که در قسمت دشت کهگیلویه (زیر کوه) واقع شده و از دو قسمت جداگانه تشکیل شده است قسمت قدیمی شهر مخروبه شده و به دهدشت کهنه معروف است. قسمت جدید آن فضایی نیمه شهری و نیمه روستایی است که با توجه به وضع زندگی و شکل ظاهری فعالیت‌های مردم و نمای ساختمان‌ها وجه روستایی آن جلوه بیشتری دارد.»^{۲۵}

وضعیت صنعتی یاد شده برای استان مرکزی شرایط متفاوتی را نشان می‌دهد. بنا بر آمار سال ۱۳۸۰ در خصوص گروه‌های شغلی گوناگون ۲۴/۴۴ درصد در بخش صنعت، ۱۱/۳۵ درصد در بخش کشاورزی ۱۱/۶۸ درصد در بخش عمده فروشی و خرده فروشی کالا، ۶/۱۶ درصد در بخش آموزش، ۷/۰۴ درصد در بخش حمل و نقل و ارتباطات و ۲۸/۱۴ درصد در بخش کشاورزی و جنگل داری و شکار مشغول فعالیت می‌باشند. بنا بر آمار سال ۱۳۷۵ شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در گروه‌های عمده صنعت در استان ۷۷۴۹۷ نفر می‌باشند. کل کارگاه‌های صنعتی استان ۵۸۶۸ کارگاه بوده که از این تعداد، کارگاه‌های ده نفر به بالا بنا بر آمار سال ۱۳۸۰ که در جدول شماره ۱۰-۳ ذکر گردیده، ۵۲۰ کارگاه می‌باشد. از این تعداد ۳ عدد در آشتیان، ۱۸۵ عدد در اراک، ۲ عدد در تفرش، ۱۹ عدد در خمین، ۳۷ عدد در دلیجان، ۲۴ عدد در زرنديه، ۲۰۵ عدد در ساوه، ۱۷ عدد در شازند، ۲۷ عدد در محلات قرار دارند. در حالی که در مقایسه بین دو استان تأثیر تفاوت شیوه تولید صنعتی و تأثیر آن بر رفتار انتخاباتی

شهروندان دو استان به روشنی قابل مشاهده است در عین حال این معادله نیز در درون خود استان نیز کماکان صدق می‌کند. آمار یاد شده به خوبی نشان می‌دهد که مناطق صنعتی‌تر استان به شکل محسوسی از رفتار انتخاباتی متفاوتی نسبت به مناطق غیر صنعتی و دارای بافت تولیدی کشاورزی بهره‌مند می‌باشند. این آمار حکایت از آن دارد که تفرش و آشتیان که بیشترین مشارکت انتخاباتی را داشته‌اند تنها برخوردار از ۵ کارگاه صنعتی که جمعیتی بیش از ۱۰ نفر در آن مشغول به فعالیت هستند، می‌باشند.

تعداد کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر استان مرکزی بر حسب تعداد کارکن و شهرستان

شهرستان	جمع	۱۰-۴۹ نفر	۵۰-۹۹ نفر	۱۰۰ نفر بیشتر
کل استان	۵۲۰	۳۴۰	۹۰	۹۰
آشتیان	۳	۱	۲	۰
اراک	۱۸۵	۱۴۰	۱۸	۲۷
تفرش	۲	۱	۰	۱
خمین	۱۹	۱۸	۰	۱
دلیجان	۲۷	۲۶	۶	۵
زرندیه	۲۴	۱۲	۱۱	۱
ساوه	۲۰۵	۱۰۴	۵۰	۵۱
شازند	۱۷	۱۱	۲	۴
محلات	۲۸	۲۷	۱	۰

جدول شماره ۱۰-۳

نتیجه گیری

تاکید بر جامعه مدنی بیان ساختی سیاسی - اجتماعی و اقتصادی قانونمندی است که حضور و تداوم آن مستلزم شکل دهی نهادها و زیر ساخت‌هایی است که تجسم واقعی اراده آحاد جامعه باشد. اراده آحادی که در یک جامعه پذیری سیاسی عقلانی در بستر فرهنگ سیاسی نوین قابل تحقق و پیگیری است. بیان حاکمیت ملی - مردمی و مشارکت سیاسی به عنوان یکی از ارکان غیر قابل نقض جامعه مدنی نباید با عملکرد سیاسی و تهییج توده همسان تلقی گردد که حکومت‌ها بر اساس آن امکان پوشش دادن منافع کوتاه مدت و گاه بلند مدت خود را بدست می‌آورند بلکه مبنایی است که موجودیت و فلسفه حکومت و نهادهای سیاسی - اجتماعی جوامع مدرن بر اساس آن شکل یافته و ملزم به فعالیت گردیده است.

همان‌گونه که در فصول گذشته عنوان شد، در بررسی رفتار انتخاباتی شهروندان جدا از اهمیت مسئله آسیب شناسی عدم مشارکت شهروندان در عرصه انتخابات، برای یک نظام ایدئولوژیک، انگیزه و اهداف مشارکت شهروندان در عرصه‌های مختلف مشارکت و به خصوص عرصه انتخابات قابل تأمل و بررسی می‌باشد. از آنجایی که فعل انتخاباتی به عنوان شاخصی مهم برای مشروعیت بخشی به نظام همواره مورد تایید قرار گرفته است، آسیب شناسی رفتار انتخاباتی رای دهندگان نیز بسیار حائز اهمیت است. اگر انگیزه و اهداف عمل مشارکتی شهروندان در عرصه‌های گوناگون جدا از مبانی مورد نظر نظام‌های ایدئولوژیک باشد بنابراین نه تنها بحث بحران مشروعیت و کارکرد نظام ایدئولوژیک در عدم مشارکت شهروندان در امر انتخابات می‌تواند در بررسی آسیب‌های سیاسی و اجتماعی یک جامعه مورد توجه قرار گیرد، بلکه خود مسئله مشارکت شهروندان نیز نباید از نظر دور بماند. با توجه به اینکه متغیرهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گوناگون در شکل گیری رفتار انتخاباتی شهروندان تأثیر بسزایی داشته و ویژگی‌های این متغیرها موجب شکل گیری رفتار انتخاباتی گوناگون از سوی افراد می‌گردد بر این اساس در سطح کلان با مد نظر قرار دادن دو رفتار انتخاباتی متفاوت از سوی شهروندان یعنی رفتار انتخاباتی شهری و رفتار انتخاباتی عشیره‌ای و روستایی با توجه به آمارهای منتشره رسمی (که خلاصه‌ای از آن نیز در جداول شماره ۱۱-۳ و ۱۲-۳ آورده شده است) نشان داده شد که شواهد امر حکایت از آن دارد که حضور گسترده شهروندان در عرصه انتخابات مجلس هفتم نسبت مستقیمی با وضعیت قومی و معیشتی و فرهنگی این

مناطق دارد؛ لذا به دشواری می‌توان آرای داده شده را مبنای قابل اتکایی برای مشروعیت بخشی به یک نظام ایدئولوژیک دانست و در پروسه عمل نیز هیچ نظام ایدئولوژیکی نمی‌تواند از تبعات منفی آن بر حذر ماند.

واقعیت امر این است که پدید آوردن و محیاء نمودن مجال بروز تفکری خلاق که بستر ظهور روح تاریخی جدیدی برای جامعه باشد از جدی‌ترین مباحثی است که ساخت قدرت در ایران نه برای اضمحلال خویش بلکه برای تداوم و قوام خود به آن نیازمند است. توجه به این واقعیت است که شرایط لازم را جهت اتخاذ سیاستی آگاهانه و همگام با نیازهای واقعی جامعه در بستری قانونمند و با تکیه بر مشارکت و حضور خلاق مردم در تمامی عرصه‌ها را پدید می‌آورد. نباید از نظر دور داشت که توسعه خودجوش و مبتنی بر بنیادهای اجتماعی داخلی، مستلزم درکی فراخ‌تر از واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است. کوتاهی قامت‌های سنتی و ضرورت خیزش همه سویه در جامعه، مویذ این مطلب است که پاسخگویی به چالش‌های اساسی جامعه در گرو نگرش‌های جدید از منظر دید انسانی نوین است.

مقایسه داده‌های آماری استان مرکزی و استان کهگیلویه و بویراحمد

مشخصات	کهگیلویه و بویراحمد	استان مرکزی
جمعیت کل استان	۶۵۴۱۴۲	۱۳۲۸۴۱۹
جمعیت شهری	۲۲۵۷۸۷ یعنی ۴۹/۸۱ درصد	۸۷۷۹۰۳ یعنی ۶۶/۰۹ درصد
جمعیت روستایی	۳۲۸۳۵۵ یعنی ۵۰/۱۹ درصد	۴۵۰۵۱۶ یعنی ۳۳/۹۱ درصد
کارگاه‌های صنعتی	۳۴ عدد - ۳۲ عدد (۱۰-۴۹) و ۲ عدد (۱۰۰ نفر بیشتر)	۵۲۰ عدد - ۳۸۴ (۱۰-۴۹) و ۷۹ (۵۰-۹۹) و ۷۷ (۱۰۰ نفر بیشتر)
کل جمعیت ۶ سال بیشتر ۱۳۷۵	۴۵۴۰۰۰	۱۰۷۸۰۰۰
تعداد باسوادان ۶ سال بیشتر ۱۳۷۵	۲۴۳۰۰۰ یعنی ۷۵/۵۵ درصد	۸۵۵۰۰۰ یعنی ۷۹/۳۱ درصد
تعداد باسوادان ۶ سال بیشتر شهری	۱۵۹۰۰۰ یعنی ۴۶/۳۵ درصد	۵۳۲۰۰۰ یعنی ۶۲/۲۳ درصد
تعداد باسوادان ۶ سال بیشتر روستایی	۱۸۲۰۰۰ یعنی ۵۲/۶۵ درصد	۲۲۳۰۰۰ یعنی ۳۷/۷۷ درصد

جدول شماره ۱۱-۳

شاخص‌های منتخب اجتماعی - اقتصادی : ۱۳۸۱

استان	تراکم نسبی جمعیت (نفر در کیلومتر مربع)	میزان نشینی شهر- (درصد)	میزان جوانی جمعیت (۱) (درصد)	میزان باسوادی (۱) (درصد)	میزان اشتغال (۲) (درصد)	میزان بیکاری (۲) (درصد)
کل کشور	۴۰/۲	۶۶/۰	۳۹/۵	۷۹/۵	۸۷/۸	۱۲/۲
کهگیلویه و بویراحمد	۴۰/۳	۵۰/۷	۴۷/۱	۷۵/۵	۸۴/۴	۱۵/۶
مرکزی	۴۴/۲	۶۵/۲	۳۸/۳	۷۹/۳	۹۱/۶	۸/۴

جدول شماره ۱۲-۳

منابع

- ^۱ - کیت نش - جامعه شناسی سیاسی معاصر - محمد تقی دلفروز (تهران: ۱۳۷۸، انتشارات کویر) ص ۹
- ^۲ - مهدی رجبی - بررسی تحلیل رفتار انتخاباتی مردم - ماهنامه آفتاب، سال چهارم، شماره ۳۳، اسفند ۱۳۸۲، صص ۱۶-۱۷
- ^۳ - ساموئل هانتیگتون و دیگران - درک توسعه سیاسی - (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی ۱۳۷۹) ص ۱۲۸
- ^۴ - لوسین دلیو. پای و دیگران - بحران‌ها و توالی در توسعه سیاسی - غلامرضا خواجه سروی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱) ص ۲۴۳
- ^۵ - گوستاو لوبون - روانشناسی توده‌ها - کیومرث خواجه (تهران: نشر روشنگران، ۱۳۷۰)
- ^۶ - تحلیلی که آقای دکتر بشیریه در فصل سوم کتاب خود ارائه داده‌اند. رجوع شود به: حسین بشیریه - دیپلاچ‌ای بر جامعه شناسی ایران، دوره جمهوری اسلامی ایران - (تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱)
- ^۷ - اقتباس از: حجت الله ایوبی - تحلیل رفتار انتخاباتی - اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۶-۱۳۵، ۱۳۷۷ ص ۱۶
- ^۸ - مایکل رایش - جامعه و سیاست - منوچهر صبوری (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۷) ص ۱۲۵
- ^۹ - لوسین دلیو پای و دیگران - همان کتاب - ص ۲۵۱
- ^{۱۰} - محمد رحیم عیوضی - تبیین مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی - اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۶-۱۹۵، ۱۳۸۲ ص ۶۹
- ^{۱۱} - Gemeinschaft und Gesellschaft
- ^{۱۲} - Commanity and Society
- ^{۱۳} - پیتیر کیویستو - اندیشه‌های بنیادی در جامعه شناسی - منوچهر صبوری (تهران: نشر نی، ۱۳۷۸) ص ۱۲۴
- ^{۱۴} - ماکس وبر - مفاهیم اساسی جامعه شناسی - احمد صدارتی، چ سوم (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱) ص ۱۰۹
- ^{۱۵} - محمود سریع القلم - میانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی - اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۶-۱۳۵، ۱۳۷۷ ص ۲۸
- ^{۱۶} - علی بصیری و داریوش شادی‌وند - رفتار انتخاباتی در جوامع مبتنی بر فرهنگ عشیره‌ای - اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۸-۱۶۷، ۱۳۸۰ ص ۱۹۳
- ^{۱۷} - لوسین دلیو. پای و دیگران - همان کتاب - ص ۲۵۲
- ^{۱۸} - شاپور اعتماد - معادلات و تناقضات آنتونیو گرامشی - (تهران: طرح نو، ۱۳۸۳) ص ۱۰
- ^{۱۹} - کیت نش - همان کتاب - صص ۱۹-۲۰
- ^{۲۰} - به نقل از: روزنامه شرق - ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ - سال اول شماره ۱۷۱، ص ۲
- ^{۲۱} - <http://www.moi.ir/forprint.aspx?id=4580>
- ^{۲۲} - به نقل از: روزنامه همبستگی - پنج شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۸۲، ص ۵
- ^{۲۳} - کلیه آمارها از سایت اطلاع رسانی سازمان آمار کشور به نشانی اینترنتی <http://www.sci.or.ir/persia/index.htm> و CD سالنامه آمار سال ۱۳۸۲ کل کشور و CD آمار استان‌های مرکزی و کهگیلویه و بویراحمد منتشره از سوی مرکز آمار و سایت اطلاع رسانی وزارت کشور به آدرس اینترنتی www.moi.ir نقل گردیده است. آمارها به شکل گزینشی در جهت نیازهای تحقیق از سوی نویسنده در جدول‌های مختلف تنظیم شده و به ضرورت نیاز نیز درصدهای آمار محاسبه و در جداول یا مباحث ذکر گردیده است
- ^{۲۴} - <http://www.moi.ir/news/elf1.htm>
- ^{۲۵} - CD سالنامه آمار استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۲ - مرکز آمار ایران